

Investigating the Effect of Environmental Disclosure and Cost of Equity on Tax Avoidance, Considering the Role of the Quality of Corporate Governance Mechanisms¹

Amirhossein Salehi Fathabadi², Ali Namazian³,
Najme Khodabakhshi⁴

Received: 2024/07/01
Accepted: 2025/01/12

Research Paper

Abstract

Tax avoidance means using different methods to reduce the tax paid. These methods include using tax credits, reducing taxable income, etc. In practice, some companies engage in opportunistic behaviors such as risky tax behaviors at the same time as increasing voluntary environmental disclosure. Also, the cost of equity is one of the factors affecting tax avoidance. Therefore, the current research aims to investigate the effect of environmental disclosure and cost of equity on tax avoidance according to the role of the quality of corporate governance mechanisms. The statistical population of this research is the companies admitted to the Tehran Stock Exchange, and the linear regression method is used, and the statistical sample is the systematic elimination method of 105 companies in the study period of 1395 to 1401. According to the findings of this research, corporate governance mechanisms lead to strengthening the relationship between environmental disclosure and tax avoidance. Also, corporate governance mechanisms strengthen the relationship between the cost of equity and tax avoidance.

Keyword: Tax Avoidance, Cost of Equity, Environmental disclosure, Corporate Governance Mechanisms.

JEL Classification: M40, M42.

1. doi:10.22051/jera.2025.47628.3268

2. M.Sc. Student, Department of Accounting, Raf.c., Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran. (amirhossein.salehifathabadi@iau.ir).

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Raf.c., Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran. (Corresponding Author). (ali.namazian@iau.ac.ir).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. (n.khodabakhshi@pnu.ac.ir).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی تأثیر افشای زیست‌محیطی و هزینه حقوق صاحبان سهام بر اجتناب مالیاتی با توجه به نقش کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی^۱

امیرحسین صالحی فتح‌آبادی^۲، علی نمازیان^۳، نجمه خدابخشی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

مقاله پژوهشی

چکیده

اجتناب مالیاتی به معنای استفاده از روش‌های مختلف برای کاهش مالیاتپرداختی است. این روش‌ها شامل استفاده از اعتبارات مالیاتی، کاهش درآمد مشمول مالیات و غیره باشد. در عمل، برخی شرکت‌ها رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ایمانند رفتارهای پرخطر مالیاتی را هم‌زمان با افزایش‌افشای داوطلبانه محیطی انجام می‌دهند. همچنین، هزینه حقوق صاحبان سهام نیز یکی از عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی است. بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر افشای زیست‌محیطی و هزینه حقوق صاحبان سهام بر اجتناب مالیاتی با توجه به نقش کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی است. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و روش رگرسیون خطی استفاده شده و نمونه آماری به روش حذف قاعده‌مند تعداد ۱۰۵ شرکت در دوره مطالعاتی سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۱ است. با توجه به یافته‌های این پژوهش مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی منجر به تقویت رابطه بین افشای زیست‌محیطی و اجتناب مالیاتی می‌گردد. همچنین، مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی منجر به تقویت رابطه بین هزینه حقوق صاحبان سهام و اجتناب مالیاتی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، هزینه حقوق صاحبان سهام، افشای زیست‌محیطی، مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی

طبقه‌بندی موضوعی: M40, M42

10.22051/jera.2025.47628.3268.doi.1

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.
(amirhossein.salehifathabadi@iau.ir)

۳. استادیار، گروه حسابداری، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. (نویسنده مسئول). (ali.namazian@iau.ac.ir).
۴. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (n.khodabakhshi@pnu.ac.ir).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه^۱

در طی پنج سال اخیر، پیامدهای منفی بر محیط‌زیست شدت یافته‌اند (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۲۲).^۲ آخرین نسخه گزارش خطرات جهانی ناکام‌یگر اقدامات مربوط به تغییرات آب‌وهوایی، حوادث طبیعی کاهش تنوع ساختار زیستی را به‌عنوان خطرات بسیار جدی محسوب می‌کند. از منظر تجارت و کسب‌وکار، فجایع طبیعی می‌تواند خسارات مالی عظیمی را به بار آورند. به‌عنوان مثال، در صورت وقوع سیل، شرکت‌ها ممکن است ملکه یا دارایی‌های خود را از دست بدهند، خطوط تولید ممکن است به حالت تعلیق درآیند، و در نتیجه منجر به ازدست‌دادن درآمد و افزایش هزینه‌های بازسازی می‌شود. این موضوعات می‌تواند ضربه چشمگیری به سودآوری و پایداری مالی شرکت‌ها وارد کنند (مسعود و همکاران، ۲۰۱۷). در رابطه با اقدامات مرتبط با آب‌وهوا و به‌طور کلی حفاظت از محیط‌زیست، شرکت‌ها با نوع دیگری از هزینه‌ها روبرو هستند که بیشتر نتیجه‌قانون‌گذاری حکومت‌ها است. کشورهای مختلف، به‌خصوص در دهه‌های اخیر، قوانین و مقرراتی را وضع کرده‌اند که هدف از آن‌ها کاهش انتشارات کربن و مقابله با تغییرات آب‌وهوایی است. این مقررات می‌تواند شامل تعیین مالیات بر کربن، مقررات محدودکننده برای صنایع خاص، و یا حتی الزامات برای بهبود بهره‌وری انرژی باشند. نتیجه این سیاست‌ها می‌تواند منجر به هزینه‌های بالایی برای برخی مشاغل شود، به‌خصوص اگر آن‌ها بخواهند در بازار رقابتی باقی بمانند و با استانداردهای جدید مطابقت داشته باشند (رینی^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). در نتیجه، شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران نیاز دارند که توجه بیشتری به پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های خود نشان دهند و به نحوی مؤثر در مورد این تأثیرات به ذی‌نفعان و بازارها اطلاع‌رسانی کنند. این کار از طریق ارائه‌ی اطلاعات و شفافیت در گزارش‌های زیست‌محیطی به دست می‌آید که به بازار کمک می‌کند تا تخمین‌های بهتری از ریسک‌های مرتبط با تغییرات آب‌وهوایی و فجایع طبیعی داشته باشد (مورس^۴، ۲۰۱۸).

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد

2. World Economic Forum, 2022, The Global Risks

3. Rini

4. Mors

برخی مطالعات نشان‌دهنده رابطه مثبت بین‌افشای داوطلبانه زیست‌محیطی شرکت‌ها و راهبردهای تهاجمی‌شان^۱ در زمینه مالیاتی است. این موضوع نشان‌دهنده تقابلی است که میان رویه‌های اجتناب مالیاتی و عناصر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی (عنصر زیست‌محیطیک جزء از این عناصر است) وجود دارد (فالان^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). در دنیای واقعی، شرکت‌ها رفتارها بفرصت‌طلبانه‌ای مانند افزایش راهبردهای مالیاتی تهاجمی همراه با افشای داوطلبانه در زمین‌محیط‌زیست در قالب مسئولیت اجتماعی را آشکار می‌سازند (سیکا^۳، ۲۰۱۰). پیامدهای ناشی از این رفتارها می‌تواند به مشروعیت رفتار مالیاتی شرکت‌ها در قبال ذی‌نفعان بیرونی مانند دولت‌ها آسیب برساند. ریسک مشروعیت به خطری اشاره دارد که در صورتی بروز می‌کند که شرکت‌ها رویه‌های اجتناب از مالیات را به‌عنوانیک عمل مناسب توجیه کنند. ریسک مشروعیت مذکور به ریسکی اشاره دارد که شرکت‌ها اجتناب از مالیات را به دلیل مشارکت مثبت در فعالیت‌های اجتماعی به‌عنوانیک عمل قابل قبول توجیه کنند. علاوه بر این، یک درک عمومی وجود دارد که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعانی که در تهاجم مالیاتی دخیل هستند، معمولاً عملکرد خوبی در زمین‌مسئولیت اجتماعی دارند. این مطلب با تئوری مشروعیت هماهنگ است که ادعا می‌کند شرکت‌ها رفتار تهاجمی مالیاتی خود را به این دلیل مشروع ساخته‌اند که در تطابق با افشای مناسب زیست‌محیطی است. در واقع می‌توان گفت شرکت‌ها از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی از جمله افشای زیست‌محیطی‌منظور پوشش اقدامات مالیاتی خود استفاده می‌کنند (رینی^۴ و همکاران، ۲۰۲۳).

هزینه حقوق صاحبان سهام دیگر متغیری است که می‌تواند بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیرگذار باشد. هزینه حقوق صاحبان سهام یا هزینه سرمایه در واقع هزینه‌ای است که شرکت در صورت تأمین مالی از محل انتشار سهام جدید می‌بایست به سهامداران پرداخت نماید. شرکت‌ها به‌منظور انتخاب نوع و منبع تأمین مالی روش‌های متفاوتی را انتخاب می‌کنند که یکی از گران‌ترین روش‌های تأمین مالی، تأمین مالی از محل انتشار سهام جدید است (گو^۵ و

1. Offensive Strategy

2. Fallan

3. Sikka

4. Rini

5. Goh

همکاران، ۲۰۱۶). در تئوری سلسله‌مراتبی (نظریه مازلو)^۱ گفته می‌شود که شرکت‌ها به‌منظور تأمین منابع مالی معمولاً آخرین اولویت خود را تأمین مالی از طریق انتشار سهام قرار می‌دهند. براین اساس، شرکت‌ها ابتدا تلاش می‌کنند با استفاده از منابع داخلی، نظیر وجوه نقد ایجاد شده در شرکت نسبت به تأمین منابع مالی اقدام نمایند و سپس تأمین مالی از محل بدهی را اولویت خود قرار می‌دهند. بنابراین پس از دو گزینه تأمین مالی از طریق منابع داخلی و بدهی، تأمین مالی از طریق سهام مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌طور کلی باید توجه نمود که هزینه حقوق صاحبان سهام به‌عنوان بازده مورد انتظار سهامداران تعریف می‌شود. هزینه حقوق صاحبان سهام به‌عنوان گران‌ترین منبع تأمین مالی شناخته می‌شود که مدیران شرکت‌ها در شرایط معمول از سایر منابع تأمین مالی نظیر منابع داخلی و وجوه نقد به‌منظور تأمین مالی مورد نیاز استفاده می‌کنند (باتیستی^۲ و همکاران، ۲۰۲۰).

هزینه‌های تأمین مالی به دلایل گوناگون می‌تواند در هر شرکت متفاوت باشد. توان اعتباری شرکت‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر هزینه‌های تأمین مالی شرکت‌ها است. ارزیابی اعتباردهندگان از سطح ریسک شرکت می‌تواند منجر به تغییر در میزان بازده مورد انتظار گردد. زمانی که سطح ریسک شرکت بالا باشد، اعتباردهندگان و سهامداران به منظور جبران ریسک موجود تلاش می‌کنند که بازده مورد انتظار خود را افزایش دهند که این امر در نهایت منجر به افزایش هزینه‌های مالی و کاهش بازده حاصل از طرح‌های سرمایه‌گذاری و در نهایت کاهش ارزش شرکت می‌شود. به بیانی دیگر، با توجه به رابطه بین ریسک و بازده، می‌توان گفت افزایش اهرم می‌تواند به کاهش بازده مورد مطالبه سهامداران منجر شود و انتظار می‌رود که افزایش اهرم، کاهش هزینه سرمایه را به دنبال داشته باشد (آپوهامی^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). اگر یک شرکت در اجتناب از پرداخت مالیات موفق شود، این امر برای سهامداران منافع دارد؛ ولی برای اعتباردهندگان ممکن است فاقد هرگونه منفعتی باشد. با این حال هرگونه ریسک مالیاتی می‌تواند برای هر دو طرف سهامداران و اعتباردهندگان باشد. به بیانی دیگر، اعتباردهندگان از اجتناب پرداخت مالیات منفعتی نمی‌برند ولیکن احتمالاً ریسک مالیاتی را تحمل می‌کنند؛ بنابراین انتظار می‌رود اعتباردهندگان برای شرکت‌هایی که اجتناب از پرداخت

1. Maslow's theory

2. Battisti

3. Appuhami

مالیات دارند، هزینه بهره (هزینه بدهی) بالاتری را به منظور جبران ریسک مالیاتی مطالبه نمایند (چن^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). به طور کلی، افزایش اجتناب مالیاتی با افزایش ریسک شرکت همراه است که این امر می‌تواند بر رتبه اعتباری شرکت و هزینه‌های تأمین مالی شرکت تأثیر منفی داشته باشد. مطالعات کوک^۲ و همکاران (۲۰۱۷) بیانگر این است که اجتناب مالیاتی با ریسک پایین می‌تواند با هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت رابطه منفی و معناداری داشته باشد.

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار بر روابط بین افشای زیست‌محیطی و هزینه حقوق صاحبان سهام با اجتناب مالیاتی، عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع است. به بیانی دیگر، یکی از تئوری‌های توضیح‌دهنده رابطه اجتناب مالیاتی و مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، تئوری نمایندگی است. بر اساس مفاهیم تئوری نمایندگی، مدیران در شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا با به کارگیری شیوه‌های اجتناب از پرداخت مالیات، منافع خود در شرکت را بیشینه نمایند، بنابراین بهبود کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند با کاهش فرصت اقدامات منفعت‌طلبانه مدیران به کاهش اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها نیز منجر گردد (سانراتو^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). برخی مطالعات تجربی نیز نشان می‌دهند که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی دارد (محمودی و همکاران، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، بهبود مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک اطلاعاتی شرکت می‌تواند زمینه‌ساز کاهش هزینه‌های تأمین مالی شرکت گردد. برخیز پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. از جمله مهم‌ترین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی که می‌تواند بر افشای اطلاعات زیست‌محیطی تأثیر بگذارد، می‌توان به اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و نقش دوگانه مدیرعامل اشاره کرد (پاکدلان و همکاران، ۱۴۰۰).

هدف این پژوهش کمک به درک بهتر وضعیت فعلی شرکت‌ها در روند افشای اطلاعات زیست‌محیطی و تأثیر آن بر عملکرد مالی و مالیاتی آنها است. سازمان‌ها و نهادهای مختلف می‌توانند از این پژوهش در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسائل زیست‌محیطی و مالیاتی بهره برده

1.Chen
2.Cook
3.Sunarto

و بهبود سیاست‌ها و مقررات مربوطه را ترویج نمایند. به‌طور کلی، این موضوع می‌تواند به بهبود عملکرد مالی و زیست‌محیطی شرکت‌ها و ارتقای شفافیت و حاکمیت شرکتی کمک کند. این پژوهش در راستای درک بهتر مدیران و صاحبان سهام شرکت‌ها نسبت به تأثیرات افشای زیست‌محیطی بر عملکرد مالی و مالیاتی شرکت‌ها کمک می‌کند. این موضوع می‌تواند در ایجاد انگیزه برای افشای اطلاعات زیست‌محیطی و بهبود حاکمیت شرکتی مؤثر باشد. از این رو، پژوهش در این زمینه می‌تواند بهبود قابل‌ملاحظه‌ای در عملکرد شرکت‌ها و انگیزه برای افشای اطلاعات زیست‌محیطی و کاهش اجتناب مالیاتی داشته باشد. با توجه به مطالب ذکر شده این پژوهش برای طیف وسیعی از ذی‌نفعان در شرکت‌ها شامل سهامداران، سرمایه‌گذاران، اعضای هیئت‌مدیره و... از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در این پژوهش ابتدا به بررسی مبانی نظری و توسعه فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود و سپس در خصوص روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های پژوهش و نتیجه‌گیری بحث می‌گردد.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

تعاریفی از اجتناب مالیاتی بیان شده که همواره مورد دغدغه برای متخصصان مالی بوده است. معیارهایی برای اندازه‌گیری فرار مالیاتی وجود دارد که تمامی خواسته‌های مدنظر را برطرف نمی‌کند (هانلون^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). با توجه به شرایط موجود فرار مالیاتی مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌های واحد تجاری با توجه به اهدافی در جهت کاهش مالیات شرکت‌ها بیان می‌گردد (لیسوسکی^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). رفتارهای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، به دودسته رفتارهای قابل قبول و غیرقابل قبول طبقه‌بندی می‌شود. رفتارهای مالیاتی قابل قبول شامل رفتارهایی است که برای کاهش پرداخت مالیات در چارچوب قانون انجام می‌شود. اما رفتارهای غیرقابل قبول دربرگیرنده سیاست‌های تهاجمی مالیاتی است و با عنوان مجموعه اقدامات منجر به فرار مالیاتی مورد توجه هستند (لیسوسکی و همکاران، ۲۰۱۳). به‌طور کلی دو نظریه در مورد فرار مالیاتی وجود دارد. نظریه اول بیان می‌کند که فرار مالیاتی با هدف افزایش ارزش است و نظریه دیگر بیان می‌کند که این موضوع از مفاهیم تضاد منافع سرچشمه می‌گیرد

1. Hanlon

2. Lisowsky

(کیم^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). نظریه قبلیتاً کیدمی کرد که اجتناب از مالیات منجر به کاهش هزینه‌های مالیاتی و در نهایت افزایش سود می‌شود؛ بنابراین انگیزه‌ای برای مدیرانی است که بر اساس سود پاداش می‌گیرند. با توجه به این دیدگاه اجتناب مالیاتی، تنها هزینه‌های مستقیم اجتناب از مالیات، مانند زمان مدیران و احتمال شناسایی شدن توسط مقامات مالیاتی (در صورت غیرقابل قبول بودن طرح‌های اتخاذ شده) در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین اجتناب مالیاتی به وضوح بیشتر از هزینه‌های آن است. تئوری دیگری یعنی فرار مالیاتی تضاد منافع بین مدیران و سرمایه‌گذاران را در نظر می‌گیرد. از آنجایی که فرار مالیاتی یک موضوع بسیار پیچیده است، می‌تواند باعث فرصت‌طلبی و افزایش هزینه‌های نمایندگی شود. اگر طرح‌های پیچیده اجتناب از مالیات به دنبال توجیه فرصت‌طلبی و سوء رفتار مدیریتی (مانند اقداماتی مانند دست‌کاری سود، معامله شخصی و سایر اقدامات مدیریت منابع) باشند، این می‌تواند منجر به افزایش فرصت‌طلبی در بین مدیران و همچنین اتلاف منابع شرکت شود (دسی^۲ و همکاران، ۲۰۰۹)؛ بنابراین می‌توان گفت که فرار مالیاتی ناشی از هزینه‌های نمایندگی است.

در خصوص رابطه افشای زیست‌محیطی و اجتناب مالیاتی استدلال‌های متفاوتی وجود دارد. در عمل، برخی شرکت‌ها رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ای مانند رفتارهای پرخطر مالیاتی را هم‌زمان با افزایش افشای داوطلبانه محیطی انجام می‌دهند. این نشان‌دهنده یکترند مدیریتی است که در آن شرکت‌ها برای حفظ چهره مسئولیت‌پذیری خود، ضمن اقدامات مالیاتی جسورانه، در فعالیت‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی سرمایه‌گذاری مکرر و آشکار دارند. این رفتار می‌تواند خطری برای مشروعیت رفتار مالیاتی شرکت‌ها از دیدگاه ذی‌نفعان بیرونی نظیر دولت‌ها و جوامع محلی ایجاد کند (سیکا^۳، ۲۰۱۰). به علاوه، ادراک عمومی وجود دارد که سهامداران و ذی‌نفعانی که در رفتارهای پرخطر مالیاتی دست دارند، ممکن است عملکرد خوبی در زمینه‌های اجتماعی داشته باشند. این دیدگاه با نظریه مشروعیت همسو است که بیان می‌کند شرکت‌ها رفتارهای پرخطر مالیاتی خود را مشروعیت می‌بخشند، زیرا این رفتار با افشای خوب محیطی هم‌راستا است؛ بنابراین، نتایج مطالعه (رینی^۴ و همکاران،

1. Kim
2. Desai
3. Sikka
4. Rini

۲۰۲۳) نشان‌دهنده این است که شرکت‌ها ممکن است از مشارکت‌های اجتماعی‌عنوان وسیله‌ای برای توجیه رفتارهای خود در حوزه‌های دیگر، مانند مالیات، استفاده کنند و تلاش کنند تا از طریق فعالیت‌های زیست‌محیطی و مسئولیت مدنی خود، رفتارهای کمتر پسندیده‌مانند جسارت مالیاتی را تحت پوشش قرار دهند.

وقتی سرمایه‌گذاران وجوه خود را به یک شرکت می‌دهند، انتظار بازگشت سرمایه خود را دارند. سرمایه‌گذاران علاوه بر متحمل شدن هزینه فرصت از دست‌رفته در سرمایه‌گذاری وجوه خود، ریسک عدم دریافت اصل سرمایه از وجوه خود را نیز متحمل می‌شوند و به همین دلیل انتظار بازدهی منطقی است. زمانی که از منظر واحد سرمایه‌گذار به سرمایه‌گذاری مدنظر بنگریم، بازده مورد انتظار ما برابر با هزینه سرمایه شرکت سرمایه‌گذار است (عثمانی^۱، ۱۳۸۱). انتظار می‌رود که رفتار ریسک‌پذیری شرکت‌ها در خصوص اجتناب از پرداخت مالیات، منجر به کاهش ظرفیت اعتباری شرکت‌ها و در نتیجه افزایش هزینه‌های تامین مالی در شرکت‌ها منجر گردد چرا که شرکت‌های دارای توان اعتباری کم (ریسک اعتباری بالا) از نظر اعتباردهندگان در دسته شرکت‌های پر خطر قرار می‌گیرند و اعطای اعتبار به آن‌ها می‌تواند با هزینه‌های بالا همراه باشد. به اعتقاد دسی^۲ و همکاران (۲۰۰۹) اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند تأثیر مثبتی بر ارزش شرکت داشته باشد؛ بنابراین برای سهامداران جذاب است. اگر یک شرکت در اجتناب از پرداخت مالیات موفق شود، این امر برای سهامداران منافع دارد ولی برای اعتباردهندگان ممکن است فاقد هرگونه منفعتی باشد. با این حال، در خصوص تأثیر اجتناب مالیاتی بر هزینه حقوق صاحبان سهام یافته‌های تجربی به اجمال نظر کافینرسیده‌اند. از سوی دیگر، انتظار می‌رود که کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با بهبود نظارت بر عملکرد مدیریت و کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیران بر سیاست‌های مالیاتی شرکت تأثیر معناداری داشته باشد.

پیشینه تجربی پژوهش

رزاق^۳ و همکاران (۲۰۲۴) طی پژوهشی به رابطه بین اندازه شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و نگهداری وجوه نقد پرداختند. یافته‌های آنان نشان می‌دهند که بین نگهداری وجوه

1. Osmani

2. Desai

3. Razaq

نقد و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنادار است. اندازه شرکت رابطه بین اجتناب مالیاتی و نگهداری وجوه نقد را تضعیف می‌کند.

جیانگن و ژیاو^۱ (۲۰۲۲) طی پژوهشی به بررسی رابطه بین افشای زیست‌محیطی، مدیریت سود و محافظه‌کاری حسابداری توسط متغیر تعدیلگر کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان از رابطه منفی بین افشای زیست‌محیطی و مدیریت سود و رابطه مثبت میان افشای زیست‌محیطی و محافظه‌کاری حسابداری و علاوه بر آن کیفیت سود نشان می‌دهد. کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی که به نسبت افراد مستقل مرتبط است. مدیران، مالکیت نهادی و نهادهای دولتی سنجیده می‌شوند، این روابط را تعدیل می‌کنند. گرگد^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای در اردن رابطه بین مدیریت سود و افشای زیست‌محیطی و اثر تعدیلی کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر این رابطه را بررسی نمودند. آنها به یک رابطه منفی بین افشای زیست‌محیطی و مدیریت سود و اثر تعدیل کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مانند اندازه هیئت مدیره، ساختارهای مالکیت مدیریتی و نهادی دست یافتند.

رینی^۳ و همکاران (۲۰۲۳) در خصوص رابطه بین افشای زیست‌محیطی و اجتناب مالیاتی پژوهش انجام دادند. نمونه‌های ماریان‌ها شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس ساوراقبه‌دار استرالیا برای دوره‌های ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۹ است. وجهت‌آزمونی فرضیه‌های پژوهش و شروشر گرسو نخطیمورد استفاده قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین افشای زیست‌محیطی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی معنادار وجود دارد. بنابراین هرچه سطح افشای زیست‌محیطی بالاتر باشد، فعالیت‌های اجتناب از مالیات هم بیشتر است که بیانگر یک راهبرد معاوضه مشروع برای منحرف کردن تاثیر منفی اجتناب مالیاتی می‌باشد.

بونتی^۴ و همکاران (۲۰۲۳)

در پژوهش‌های سیرا بیهینا افشای زیست‌محیطی و هزینه حقوق‌صاحبان سهام را بررسی کردند.

جامعه‌های ماریان‌ها پذیرفته‌شده در بورس ساوراقبه‌دار ژاپن می‌باشد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که افشای زیست‌محیطی را بر رابطه منفی معنادار با هزینه حقوق‌صاحبان سهام می‌باشد.

1. Jianqun & Xiao
2. Gerged
3. Rini
4. Bonetti

ننگیز^۱ (۲۰۱۸)

طی تحقیقات خود بهر رسیعو املمو ثر بر

اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و سوا را قبهادار کشور اندونزی بر داخا. یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در اجتناب مالیاتی شرکت‌ها موثر است. نتایج آن نشان‌دهنده این دارد که حساب‌رس، استقلال اعضا تیم مدیره و مالکیت نهادی در اجتناب مالیاتی تأثیر گذار بود و همچنین بازده‌داری‌ها را به عنوان یک معیار مالی تأثیر مثبت را اجتناب مالیاتی نشان‌دهنده دارد.

پاکدلان و همکاران (۱۴۰۰) رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود را بررسی کردند. نتیجه حاصل شده نشان از رابطه منفی و معنی‌داری مابین افشای مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود مبتنی بر تعهد داشت؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بهبود افشای مسئولیت اجتماعی منجر به کاهش مدیریت سود و شفافیت بیشتر عملکرد واقعی اقتصادی می‌شود. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که افشای مسئولیت اجتماعی مدیریت سود واقعی را کاهش می‌دهد، به طوری که سود واقعی گزارش می‌شود.

فلاح‌کار و همکاران (۱۴۰۰) طی پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و سطح افشای اطلاعات شرکت‌ها پرداختند که نتایج آن بیانگر رابطه معکوس و معناداری بین مدیریت سود و سطح افشای اطلاعات نشان می‌داد. افشای اطلاعات و مؤلفه‌های کیفی ساز و کارهای حاکمیت شرکتی (به جز تعداد جلسات هیئت مدیره) این رابطه را تضعیف می‌کند. نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی نشان داد که بین اهرم مالی و سطح افشای اطلاعات رابطه معکوس و معناداری و بین اندازه و سودآوری شرکت با سطح افشای ارتباط وجود دارد. مستقیم و معنادار است.

فرضیه‌های پژوهش

بنابر مبانی نظری و پیشینه تجربی شرح داده شده، فرضیه‌های پژوهش به این ترتیب مطرح می‌شود:

فرضیه اول: بین افشای زیست‌محیطی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین هزینه حقوق صاحبان سهام و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر رابطه بین افشای زیست‌محیطی و اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه چهارم: کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر رابطه بین هزینه حقوق صاحبان سهام و اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، نوع استدلال و زمان، کاربردی، استقرایی و گذشته‌نگر است. دوره مطالعه، سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ است و داده‌های مورد نیاز نیز، همگی از نوع داده‌های سالانه هستند. ۱۰۵ شرکت نمونه انتخاب شده، با استفاده از روش حذف قاعده‌مند از میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده‌اند. گردآوری اطلاعات در دو مرحله انجام شده است. مطابق جدول شماره ۱ در مرحله نخست برای بیان مبانی نظری و بررسی مطالعات پیشین، از روش کتابخانه‌ای و در مرحله دوم، برای گردآوری داده‌ها از صورت‌های مالی و سایر منابع اطلاعاتی مرتبط موجود در مرکز اسنادهای آمار سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین استفاده شده است.

جدول ۱. روش حذف قاعده‌مند

شرکت‌های باقی مانده	شرکت‌های مشمول	تعداد شرکت		شرح
-	۳۲۴۸	۴۶۴		تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در پایان سال ۱۴۰۱
۲۶۴۶	۶۰۲	۸۶		تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش در بورس فعال نبوده‌اند
۲۰۳۷	۶۰۹	۸۷		تعداد شرکت‌هایی بعد از سال ۱۳۹۵ در بورس پذیرفته شده‌اند
۱۷۵۷	۲۸۰	۴۰		تعداد شرکت‌هایی که جزء هلدینگ، سرمایه‌گذاری‌ها، واسطه‌گری‌های مالی، بانک‌ها و یا لیزینگ‌ها بوده‌اند.
۱۱۷۶	۵۸۱	۸۳		تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش تغییر سال مالی داده و یا سال مالی آن منتهی به پایان اسفند نمی‌باشد
۱۲۰۹۰	۴۴۱	۶۳		تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه داشته‌اند و شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها در ناقص بوده است
۷۳۵	۱۰۵			تعداد شرکت‌های عضو نمونه

منبع (نرم افزار آورد نوین و سایت کدال)

مدل های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم تحقیق، با اتکا بر مبانی نظری تشریح شده در بخش‌های پیشین، مدل‌های (۱) الی (۴) توسط نویسندگان به شرح زیر تدوین می‌شوند:

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 ED_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 INV_{it} + \beta_7 CAP_{it} + \beta_8 RET_VAT_{it} \quad (۱)$$

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 COE_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 INV_{it} + \beta_7 CAP_{it} + \beta_8 RET_VAT_{it} \quad (۲)$$

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 ED_{it} + \beta_2 CG_{it} + \beta_3 (ED_{it} * CG_{it}) + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 INV_{it} + \beta_9 CAP_{it} + \beta_{10} RET_VAT_{it} \quad (۳)$$

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 COE_{it} + \beta_2 CG_{it} + \beta_3 (COE_{it} * CG_{it}) + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 INV_{it} + \beta_9 CAP_{it} + \beta_{10} RET_VAT_{it} \quad (۴)$$

تعریف عملیاتی متغیرها به شرح زیر است:

متغیر وابسته:

اجتناب مالیاتی (TA): برابر است با نسبت هزینه مالیات منتشر شده در صورت سود و زیان شرکت تقسیم بر سود عملیاتی شرکت

به منظور اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد مباحث بسیار زیادی در این خصوص وجود دارد. از مبنای این مباحث می‌توان اشاره کرد به رقم‌های متفاوتی که در صورت و مخارج کسر مدل اندازه‌گیری نرخ مالیات مورد استفاده قرار می‌گیرد. عددی که در صورت کسر قرار می‌گیرد مالیات‌برازیبی هیچ تعدیلات خاصیت و همچنین در مخارج کسر از رقم‌های مختلفی شامل فروش شرکت، سود عملیاتی، سود خالص قبل از مالیات، جریان نقد عملیاتی و درآمد مشمول مالیات استفاده می‌شود. به پیروی از خواجوی و همکاران (۱۳۹۷) از آنجایی که نرخ مؤثر مالیاتی، نتایج آماری مناسبی در مورد

تأثیر انباشته مشوق‌های مالیات‌مختلف و همچنین تغییرات در نرخ مالیات‌ی شرکت‌ها را فراهم می‌آورد، اغلب براساس گزاردان و گروه سرمایه‌گذاران به‌عنوان ابزاری برای درک سیستم مالیاتی شرکت‌ها به کار می‌رود و اجتناب مالیاتی به شرح زیر اندازه‌گیری می‌گردد. در این پژوهش نیز از روش حاضر به‌منظور اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی استفاده شده است.

متغیر مستقل:

افشای زیست‌محیطی (ED): امتیازافشای اطلاعات زیست‌محیطی از تقسیم مجموع امتیازهای حاصل شده از ۶ بخش بر کل امتیازات قابل‌دریافت یعنی ۳۴ به دست می‌آید. سطح‌افشای اطلاعات زیست‌محیطیه پیروی از خواجوی و همکاران (۱۳۹۷)، براساس شاخص‌های پیشنهادیه تبعیت از ابورایا (۲۰۱۲)، اندازه‌گیری می‌شود. از آنجا که گزارشات سالانه عمده‌ترین منابع افشای اطلاعات شرکت‌ها تلقیمی شود در این پژوهش به منظور بررسی سطح افشای اطلاعات زیست‌محیطی شرکت‌ها به‌گزارشات سالانه ارائه شده به وسیله شرکت‌ها کتفا شده است. برای سنجش و اندازه‌گیری سطح افشای داوطلبانه اطلاعات زیست‌محیطی، چک لیست ابورایا (۲۰۱۲)، مورد استفاده قرار گرفته است. شاخص‌های مدنظر در ۶ بخش (سیاست‌های زیست‌محیطی، محصولات و فرآیندهای مرتبط با مسائل زیست‌محیطی، رعایت استانداردها و قوانین زیست‌محیطی، حسابرسی زیست‌محیطی، ثبات و سایر اطلاعات مرتبط زیست‌محیطی) طبقه‌بندی شده اند، تعیین و مورد ملاک قرار می‌گیرند. در سیستم وزنی به هر مورد گزارش شده، یک امتیاز تعلق می‌گیرد. هزینه حقوق صاحبان سهام (COE): بر اساس مدل گوردون (۱۹۸۲) هزینه حقوق صاحبان سهام را می‌تواند با استفاده از روش زیر به دست آورد (ستایش و همکاران، ۱۳۹۰):

$$COE_{it} = \frac{D_{it+1}}{P_{it}} + G$$

هزینه حقوق صاحبان سهام حداقل نرخ بازدهی که سهامداران به دست می‌آورند تا ارزش شرکت حفظ شود، تعریف می‌گردد.

D: سود نقدی شرکت

P: قیمت بازار سهام شرکت

G: میانگین نرخ رشد فروش شرکت در بازه زمانی پژوهش

متغیر تعدیلگر

کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی (CG):

برای اندازه‌گیری متغیر فوق به تبعیت از مهرانی و همکاران (۱۳۹۴) به شرح زیر اقدام می‌شود:

استقلال هیئت‌مدیره: تناسب عضوهای غیرموظف هیئت‌مدیره به کلیه اعضای هیئت‌مدیره (در صورتی که این نسبت بیشتر از میانگین نمونه باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر تعلق می‌گیرد)

اندازه هیئت‌مدیره: برابر است با تعداد اعضای هیئت‌مدیره (در صورتی که این اندازه بیشتر از میانگین نمونه باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر تعلق می‌گیرد)

مالکیت نهادی: برابر است با سهام در اختیار مؤسسات، نهادها، بانک، بیمه‌ها و... (در صورتی که این اندازه بیشتر از میانگین نمونه باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر تعلق می‌گیرد)

تمرکز مالکیت: تمرکز مالکیت به وسیله شاخص هر فیندال اندازه‌گیری می‌شود (در صورتی که این اندازه بیشتر از میانگین نمونه باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر تعلق می‌گیرد)

حسابرس: در صورتی که حسابرس شرکت سازمان حسابرسی مؤسسه مفید راهبر باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر تعلق می‌گیرد.

این معیارها، معیارهایی هستند که در یک نمونه ۹۳ تا بی از پژوهش‌های انجام شده در حوزه حاکمیت شرکتی با فراوانی نسبی بیش از ۵٪ مورد استفاده قرار گرفته‌اند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۴).

در نهایت جمع نمرات هریک از مشخصه‌های ذکر شده در بالا بر حداکثر نمرات (۵ نمره) تقسیم می‌شود، و نمره بالاتر نشان از کیفیت بیشتر کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی است. (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۴).

متغیرهای کنترلی:

به پیروی از رینی^۱ و همکاران (۲۰۲۳) متغیرهای کنترلی به شرح زیر تدوین می‌گردد:

اهرم مالی (LEV): برابر است با جمع کل بدهی به جمع کل دارایی‌ها

اهرم مالی یکی از معیارهای اندازه‌گیری ساختار سرمایه شرکت‌ها است. استدلال می‌شود که افزایش اهرم مالی به معنی استفاده از بدهی بیشتر در ساختار سرمایه شرکت‌ها است. هرچه میزان بدهی در شرکت‌ها افزایش پیدا کند، سطح نظارت در شرکت نیز بیشتر می‌شود، بنابراین می‌توان انتظار داشت که افزایش اهرم مالی به کاهش هزینه‌های نمایندگی و فرصت اجتناب مالیاتی منجر شود.

بازده دارایی‌ها (ROA): برابر است با نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها
بازده دارایی‌ها یکی از معیارهای اندازه‌گیری عملکرد شرکت‌ها بر اساس سطح سودآوری است. هرچه میزان بازده دارایی‌ها بیشتر باشد، عملکرد مدیران در استفاده از دارایی‌ها جهت سودآوری بهتر ارزیابی می‌گردد. با توجه به این که این معیار مستقیماً با استفاده از سود خالص شرکت اندازه‌گیری می‌گردد، انتظار می‌رود که رابطه مثبت و معناداری بین بازده دارایی‌ها و نرخ مؤثر مالیاتی وجود داشته باشد.

اندازه شرکت (SIZE): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی شرکت
اندازه شرکت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عملیاتی شرکت‌ها است. شرکت‌های بزرگ معمولاً به دلیل هزینه‌های سیاسی و سطح نظارت بیشتر، فرصت کمتری برای مشارکت در فعالیت‌های منفعت‌طلبانه از جمله اجتناب مالیاتی دارند.

فرصت‌های رشد (MTB): برابر است با نسبت ارزش بازار به جمع کل دارایی‌های شرکت
فرصت‌های رشد یکی از مهم‌ترین معیارهای مورد توجه سرمایه‌گذاران است. ارزش شرکت‌ها به‌عنوان معیار مورد استفاده توسط سهامداران و سرمایه‌گذاران جهت اندازه‌گیری بازده سرمایه‌گذاری استفاده می‌گردد.

نوسانات بازده سهام (RET-VAT): برابر است با انحراف معیار سه‌ساله بازده سهام شرکت
بازده سهام شرکت‌ها نیز یکی از معیارهای اندازه‌گیری بازده سرمایه‌گذاری است. بنابراین انتظار می‌رود که یکی از علل اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها، افزایش ارزش و ثروت سهامداران باشد.

موجودی‌های شرکت (INV): برابر است با نسبت موجودی کالا به کل دارایی‌ها
با توجه به اینکه مدیران می‌توانند با استفاده از دست‌کاری موجودی کالا بر سود شرکت‌ها و به تبع سطح سود مشمول مالیات تأثیرگذار باشند، انتظار می‌رود که بین این متغیر و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود داشته باشد.

نسبت مخارج سرمایه‌ای (CAP): برابر است با نسبت خرید دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها با توجه به این که نسبت مخارج سرمایه‌ای می‌تواند بر سطح جریان وجوه نقد آزاد تأثیرگذار باشد و افزایش یا کاهش وجوه نقد در دسترس مدیران انگیزه‌ای جهت تعیین سیاست‌های مالیاتی شرکت‌ها است، انتظار می‌رود که این متغیر با اجتناب مالیاتی رابطه معناداری داشته باشد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

برای آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش و نمونه آماری، وضعیت آماره‌های توصیفی پژوهش به اختصار در جدول (۲) ذکر شده است. آماره‌های توصیفی شامل موارد ذکر شده در جدول (۲) است که به میانگین، به عنوان اصلی‌ترین شاخص می‌توان اشاره کرد که بیانگر محل تعادل و مرکز ثقل توزیع است به منظور نمایان شدن مرکزیت داده‌ها است. میانه اندازه‌ای است که ۵۰ درصد داده‌ها نمونه‌گیری شده پایین‌تر از آن و ۵۰ درصد بالاتر از آن قرار می‌گیرند. به صورت کلی می‌توان بیان داشت که از میانه به عنوان اندازه تمایل به مرکز توزیع‌های دارای شکل نامتقارن هستند، استفاده می‌گردد. انحراف معیار شاخص‌ترین مؤلفه پراکندگی است که از جذر واریانس حاصل می‌شود. این شاخص، بیانگر میانگین نوسان مشاهدات از متوسط آن‌ها است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر مالیاتی)	TA	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰
افشای زیست‌محیطی	ED	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰
هزینه حقوق صاحبان سهام	COE	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰
حاکمیت شرکتی	CG	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰

					CAP	مخارج سرمایه‌ای
					INV	موجودی کالا
					LEV	اهرم مالی
					MTB	فرصت‌های رشد
					RET_VAT	نوسانات بازده سهام
					ROA	بازده دارایی‌ها
					SIZE	اندازه شرکت

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به یافته‌های ارائه شده در جدول (۲)، میانگین اجتناب مالیاتی نشان‌دهنده عدد ۰/۱۳۴ است به این معنی که شرکت‌های نمونه در سال‌های مورد بررسی حدود ۱۳ درصد سود، مالیات پرداخت نموده‌اند. هرچه این عدد بیشتر باشد، نرخ مؤثر مالیاتی بیشتر و اجتناب مالیاتی کمتر است. میانگین افشای زیست‌محیطی نشان‌دهنده عدد ۰/۳۲ درصد است به این معنی که شرکت‌های نمونه در سال‌های مورد بررسی تنها حدود ۳۲ درصد امتیاز شاخص افشای زیست‌محیطی را افشا نموده‌اند. میانگین هزینه حقوق صاحبان سهام در سال‌های مورد بررسی به طور میانگین حدود ۴۴ درصد است. هرچه این عدد بیشتر باشد، بازده مورد انتظار سهامداران بیشتر است. میانگین حاکمیت شرکتی نشان‌دهنده عدد ۰/۳ است به این معنی که شرکت‌های نمونه در سال‌های مورد بررسی ۳۰ درصد از امتیاز شاخص حاکمیت شرکتی را کسب نموده‌اند. میانگین مخارج سرمایه‌ای نشان‌دهنده عدد ۰/۰۹ است به این معنی که در سال‌های مورد بررسی، شرکت‌های نمونه حدود ۹ درصد دارایی‌های ثابت داشته‌اند. میانگین نسبت موجودی کالا به کل دارایی‌های شرکت نشان‌دهنده عدد ۰/۲۵ است به این معنی که حدود ۲۵ درصد کل دارایی‌های شرکت‌های نمونه را موجودی مواد و کالا تشکیل می‌دهند. میانگین اهرم مالی نشان‌دهنده عدد ۵۴ درصد است به این معنی که مدیران

شرکت‌های نمونه تمایل بیشتری به تأمین مالی از طریق بدهی دارند چرا که به ازای هر واحد دارایی، ۵۴ درصد بدهی در شرکت‌های نمونه وجود دارد. میانگین فرصت‌های رشد نشان‌دهنده عدد ۴/۸۴ است هرچه این عدد بیشتر باشد، فرصت‌های رشد شرکت نیز بیشتر است. این نسبت نشان می‌دهد که ارزش بازار سهام شرکت‌های نمونه حدود ۴/۸۴ برابر ارزش دفتری کل دارایی‌های این شرکت‌ها است. میانگین نوسانات بازده سهام در سال‌های مورد بررسی حدود ۱/۴۳ است. میانگین بازده دارایی‌ها ۱۶ درصد نشان از آن دارد که مدیران شرکت‌های نمونه موفق شده‌اند به ازای هر واحد دارایی، ۱۶ درصد سود کسب نمایند. میانگین اندازه شرکت نیز نشان‌دهنده عدد ۱۴/۸۸ است. سایر آماره‌های توصیفی در جدول (۲) ارائه گردیده است.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون چاو و هاسمن^۱، مدل‌های پژوهش با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی و الگوی اثرات ثابت برآورده شده است. لازم به ذکر است که مدل‌های پژوهش با استفاده از تغییرات اقلام حساسی شده آزمون می‌شوند؛ بنابراین برای آزمون هر فرضیه، یک مدل برآورد می‌گردد. نتایج بررسی فروض کلاسیک مدل‌ها، شامل نرمال بودن باقیمانده‌ها، ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در جداول (۳) الی (۷) ارائه شده است. بر اساس نتایج جداول ذکر شده، باقیمانده مدل‌های (۱) الی (۴) پژوهش نرمال نیست که با توجه به تعداد نمونه و قضیه حد مرکزی، اثرات آن دارای اهمیت نیست. همچنین، این مدل با مشکل ناهمسانی واریانس مواجه است؛ بنابراین، با رگرسیون حداقل مربعات تعمیم‌یافته آزمون گردید. مقدار آماره دورین واتسون نشان می‌دهد که متغیرهای پژوهش با مشکل خودهمبستگی سریالی مواجه نیستند. نتایج آزمون عامل تورم واریانس نیز نشان می‌دهد که بین متغیرهای پژوهش هم خطی وجود ندارد. نتایج آزمون فروض کلاسیک و آزمون هر یک از فرضیه‌های پژوهش در یک جدول ارائه می‌گردد.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

1. Chow and Hausman

نتایج فرضیه اول پژوهش صورت گرفته بیانگر این است که بین افشای زیست‌محیطی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج جدول (۳)، بین افشای هزینه زیست‌محیطی و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با توجه به این که به‌منظور اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده شده است، می‌توان گفت که افشای هزینه زیست‌محیطی منجر به کاهش اجتناب مالیاتی می‌گردد. بنابراین فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود. در بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، اهرم مالی، فرصت‌های رشد، موجودی کالا و نوسانات بازده سهام رابطه معنادار با اجتناب مالیاتی دارند. با نظر به اینکه نتایج آزمون مدل رگرسیون مشخص می‌کند که سطح معناداری آماره F که بیانگر معناداریکل رگرسیون است، کمتر از ۰/۵٪ است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده بیان‌کننده این مطلب است که تقریباً ۲۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار دوربین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است می‌توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خودهمبستگی سریالی وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه نخست پژوهش

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 ED_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 INV_{it} + \beta_7 CAP_{it} + \beta_8 RET_VAT_{it}$$

نام فارسی	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری	عامل تورم
افشای زیست‌محیطی	ED	۰/۰۴۶	۰/۰۱۲	۳/۷۶۲	۰/۰۰۹	۱/۱۷
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۵۱				
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۵۳		-۲/۴۳۶		۱/۷۶
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۱۷		-۴/۶۵۷		
فرصت‌های رشد	MTB	-۰/۰۰۲				
موجودی کالا	INV	-۰/۰۱۹				
مخارج	CAP					

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 ED_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 INV_{it} + \beta_7 CAP_{it} + \beta_8 RET_VAT_{it}$$

نام فارسی	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری	عامل تورم
سرمایه‌ای						
نوسانات بازده سهام	RET_VAT					
عرض از مبدأ	C					
دوربین واتسون		۱/۵۴			ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۵
آماره F		۱۰/۳۶			احتمال آماره F	۰/۰۰
آماره آزمون جارکو-برا						
- نرمال بودن باقیمانده‌های مدل		۱۸۲۶/۵۷			احتمال آماره جارکو-برا	۰/۰۰
آماره آزمون ناهمسانی بروش پاگان گادفری		۱۱/۹۶			احتمال آماره آزمون ناهمسانی	۰/۰۰
آماره آزمون چاو		۱/۴۵			احتمال آماره آزمون چاو	۰/۰۰
آماره آزمون هاسمن		۵۷/۵۱			احتمال آماره آزمون هاسمن	۰/۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

فرضیه دوم پژوهش با توجه به نتایج جدول (۴) بیان می‌کند که بین هزینه حقوق صاحبان سهام و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. با توجه به این که به منظور اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده گردیده است می‌توان گفت که افزایش هزینه حقوق صاحبان سهام منجر به افزایش اجتناب مالیاتی می‌گردد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود. در بین متغیرهای کنترلی بازده دارایی‌ها، اندازه شرکت، فرصت‌های رشد و موجودی کالا دارای رابطه معنادار با اجتناب مالیاتی هستند. با نظر به اینکه نتایج آزمون مدل رگرسیون که سطح معناداری آماره F که معناداری رگرسیون را نشان می‌دهد، کمتر از ۵٪ است؛ بیانگر این است که این مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده مشخص می‌کند که تقریباً ۴۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 COE_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 INV_{it} + \beta_7 CAP_{it} + \beta_8 RET_VAT_{it}$$

عامل تورم	معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	نماد	نام فارسی
	۰/۰۰۳	-۳/۰۲۹	۰/۰۱۴	-۰/۰۴۲	COE	هزینه حقوق صاحبان سهام
	۰/۰۶۱	-۱/۸۸۰	۰/۰۲۹	-۰/۰۵۴	LEV	اهرم مالی
	۰/۰۲۸	-۲/۱۹۶	۰/۰۴۲	-۰/۰۹۳	ROA	بازده دارایی‌ها
	۰/۰۰۸	-۲/۶۴۸	۰/۰۰۵	-۰/۰۱۳	SIZE	اندازه شرکت
	۰/۰۰۰	-۴/۴۶۰	۰/۰۰۶	-۰/۰۰۲۸	MTB	فرصت‌های رشد
	۰/۰۲۰	-۲/۳۳۵	۰/۰۰۵	-۰/۰۱۱	INV	موجودی کالا
	۰/۹۹۷	-۰/۰۰۳	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰	CAP	مخارج سرمایه‌ای
	۰/۱۳۰	-۱/۵۱۷	۰/۰۰۲۳	-۰/۰۰۳۵	RET_VAT	نوسانات بازده سهام
	۰/۰۰۰	۵/۵۷۹	۰/۰۷۴	۰/۴۱۴	C	عرض از مبدأ
				۱/۵۰		دوربین واتسون
					۶/۸۶	آماره F
						آماره آزمون جارکو-برا - ترمال
					۱۶۲۴/۲۷	بودن باقیمانده‌های مدل
						آماره آزمون ناهمسانی بروش پاگان
					۱۴/۸۰	گادفری
					۳/۲۰	آماره آزمون چاو
						آماره آزمون هاسمن
					۹۰/۹۰	آماره آزمون هاسمن

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

با توجه به نتایج جدول (۵)، بین ضریب تعاملی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و افشای زیست‌محیطی با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با توجه قدرمطلق ضرایب تعاملی و ضرایب متغیر مستقل می‌توان گفت که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی منجر به تقویت رابطه بین افشای زیست‌محیطی و اجتناب مالیاتی می‌گردد. بنابراین فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود. در بین متغیرهای کنترلی اهرم مالی، اندازه شرکت، فرصت‌های رشد و موجودی کالا دارای رابطه معنادار با اجتناب مالیاتی هستند. با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F که معناداریکل رگرسیون را نشان می‌دهد، کمتر از ۵٪ است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده بیان‌کننده این مطلب است که تقریباً ۳۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 ED_{it} + \beta_2 CG_{it} + \beta_3 (ED_{it} * CG_{it}) + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 INV_{it} + \beta_9 CAP_{it} + \beta_{10} RET_VAT_{it}$$

عامل تورم	معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	نماد	نام فارسی
۲/۴۳	۰/۴۱۱	-۰/۸۲۲	۰/۰۳۸	-۰/۰۳۱	ED	افشای زیست‌محیطی
۶/۵۶	۰/۳۰۴	-۱/۰۲۹	۰/۰۴۱	-۰/۰۴۳	CG	مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی
۸/۹۲	۰/۰۲۴	۲/۲۵۸	۰/۱۱۲	۰/۲۵۳	ED*CG	مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی*افشای زیست‌محیطی
۱/۵۵	۰/۰۰۹	-۲/۶۳۸	۰/۰۲۴	-۰/۰۶۲	LEV	اهرم مالی
۱/۷۷	۰/۲۰۹	-۱/۲۵۷	۰/۰۳۸	-۰/۰۴۷	ROA	بازده دارایی‌ها
۱/۳۴	۰/۰۰۰	-۶/۹۳۶	۰/۰۰۲۴	-۰/۰۱۷۰	SIZE	اندازه شرکت
۱/۳۲	۰/۰۱۲	-۲/۵۲۸	۰/۰۰۰۸	-۰/۰۰۲۰	MTB	فرصت‌های رشد
۱/۸۱	۰/۰۰۰	-۴/۶۶۰	۰/۰۰۴۴	-۰/۰۲۰۵	INV	موجودی کالا

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 ED_{it} + \beta_2 CG_{it} + \beta_3 (ED_{it} * CG_{it}) + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 INV_{it} + \beta_9 CAP_{it} + \beta_{10} RET_VAT_{it}$$

نام فارسی	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری	عامل تورم
مخارج سرمایه‌ای	CAP	۰/۰۰۱	۰/۰۲۳	۰/۰۵۳	۰/۹۵۸	۱/۵۹
نوسانات بازده سهام	RET_VAT	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	-۱/۴۸۱	۰/۱۳۹	۱/۰۶
عرض از مبدأ	C	۰/۴۴۵	۰/۰۴۴	۱۰/۰۸۹	۰/۰۰۰	-
دوربین واتسون		۱/۶۹			ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۰
آماره F		۸/۶۹			احتمال آماره F	۰/۰۰
آماره آزمون جارکو-برا - نرمال بودن باقیمانده‌های مدل		۱۷۶۹/۷۸			احتمال آماره جارکو-برا	۰/۰۰
آماره آزمون ناهمسانی بروش پاگان گادفری		۱۰/۰۲			احتمال آماره آزمون ناهمسانی	۰/۰۰
آماره آزمون چاو		۱/۴۱			احتمال آماره آزمون چاو	۰/۰۰
آماره آزمون هاسمن		۵۴/۵۱			احتمال آماره آزمون هاسمن	۰/۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش

مدل (۴) پژوهش با توجه به نتایج جدول (۷)، بین ضریب تعاملی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و هزینه حقوق صاحبان سهام با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. با توجه قدرمطلق ضرایب تعاملی و ضرایب متغیر مستقل می‌توان گفت که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی منجر به تقویت رابطه بین هزینه حقوق صاحبان سهام و اجتناب مالیاتی می‌گردد. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود. در بین متغیرهای کنترلی اهرم مالی، اندازه شرکت و فرصت‌های رشد دارای رابطه معنادار با اجتناب مالیاتی هستند. با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F که معناداریکل رگرسیون را نشان می‌دهد، کمتر از ۵٪ است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده بیان‌کننده این مطلب است که تقریباً ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود. همچنین با

توجه به اینکه مقدار دوربین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است می‌توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خودهمبستگی سریالی وجود ندارد.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 COE_{it} + \beta_2 CG_{it} + \beta_3 (COE_{it} * CG_{it}) + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 INV_{it} + \beta_9 CAP_{it} + \beta_{10} RET_VAT_{it}$$

عامل تورم	معاداری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	نماد	نام فارسی
۳/۰۰	۰/۳۷۳	-۰/۸۹۲	۰/۰۴۴	-۰/۰۳۹	COE	هزینه حقوق صاحبان سهام
۳/۶۱	۰/۰۰۰	۳/۷۳۱	۰/۰۵۵	۰/۲۰۵	CG	مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی
۵/۰۰	۰/۰۰۶	-۲/۷۵۴	۰/۱۰۸	-۰/۲۹۷	COE*CG	مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی*هزینه حقوق صاحبان سهام
۱/۵۶	۰/۰۲۹	-۲/۱۸۳	۰/۰۴۷	-۰/۱۰۲	LEV	اهرم مالی
۱/۷۳	۰/۰۸۷	-۱/۷۱۵	۰/۰۷۰	-۰/۱۲۱	ROA	بازده دارایی‌ها
۱/۳۴	۰/۰۰۲	-۳/۱۷۲	۰/۰۰۶	-۰/۰۱۸	SIZE	اندازه شرکت
۱/۳۲	۰/۰۰۱	-۳/۲۵۶	۰/۰۰۱۴	-۰/۰۰۴۸	MTB	فرصت‌های رشد
۱/۸۸	۰/۱۳۶	-۱/۴۹۴	۰/۰۰۹	-۰/۰۱۳	INV	موجودی کالا
۱/۶۰	۰/۹۱۳	-۰/۱۰۹	۰/۰۴۰	-۰/۰۰۴	CAP	مخارج سرمایه‌ای
۱/۱۳	۰/۰۵۳	-۱/۹۳۹	۰/۰۰۵۴	-۰/۰۱۰۵	RET_VAT	نوسانات بازده سهام
-	۰/۰۰۰	۵/۷۹۳	۰/۰۸۹	۰/۵۱۳	C	عرض از مبدأ
۰/۲۹	ضریب تعیین تعدیل شده			۱/۵۱		دوربین واتسون
۰/۰۰	احتمال آماره F			۹۵۱		آماره F
۰/۰۰	احتمال آماره جارکو-برا			۱۷۶۹۷۸		آماره آزمون جارکو-برا - نرمال بودن باقیمانده‌های مدل
۰/۰۰	احتمال آماره آزمون ناهمسانی			۱۰/۰۲		آماره آزمون ناهمسانی بروش پاکان گادفری
۰/۰۰	احتمال آماره آزمون چاو			۲۵۲۲		آماره آزمون چاو
۰/۰۰	احتمال آماره آزمون هاسمن			۴۶/۷۶		آماره آزمون هاسمن

منبع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های فرضیه اول، با افزایش شفافیت شرکت‌ها در مورد عملکرد زیست‌محیطی خود، تمایل آنها به استفاده از روش‌های غیرقانونی برای کاهش مالیات نیز کاهش می‌یابد. افشای اطلاعات زیست‌محیطی، فعالیت‌های شرکت در معرض دید ذی‌نفعان مختلف از جمله نهادهای دولتی، سرمایه‌گذاران، مشتریان و فعالان محیط‌زیست قرار می‌گیرد. این امر می‌تواند منجر به افزایش نظارت بر عملکرد شرکت و در نتیجه، کاهش فرصت‌ها برای فرار مالیاتی شود. شرکت‌هایی که به طور شفاف اطلاعات زیست‌محیطی خود را افشا می‌کنند، می‌توانند به‌عنوان بنگاه‌های مسئول و متعهد به جامعه شناخته شوند. این امر می‌تواند به ارتقای وجهه عمومی شرکت و جلب اعتماد ذی‌نفعان مختلف منجر شود. شرکت‌هایی که اطلاعات زیست‌محیطی خود را به طور صحیح افشا می‌کنند، نشان می‌دهند که متعهد به رعایت قوانین و مقررات زیست‌محیطی هستند. این امر می‌تواند به کاهش ریسک جریمه‌های نقدی و سایر مجازات‌های مرتبط با تخلفات زیست‌محیطی منجر شود. برخی از دولت‌ها مشوق‌های مالیاتی را برای شرکت‌هایی که در زمینه حفاظت از محیط‌زیست فعالیت می‌کنند، در نظر می‌گیرند. افشای اطلاعات زیست‌محیطی می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا از این مشوق‌ها بهره‌مند شوند. این یافته‌ها با نتایج مسعود و همکاران (۲۰۱۷) و رینی^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در یک راستا قرار دارد و برخلاف نتایج فالان^۲ و همکاران (۲۰۱۹) است.

با توجه به یافته‌های فرضیه دوم، با افزایش هزینه حقوق صاحبان سهام، تمایل شرکت‌ها به استفاده از روش‌های غیرقانونی برای کاهش مالیات نیز افزایش می‌یابد. سهامداران به دنبال افزایش سود سهام خود هستند. زمانی که هزینه حقوق صاحبان سهام افزایش می‌یابد، فشار بر مدیران شرکت برای افزایش سود نیز بیشتر می‌شود. در این شرایط، مدیران ممکن است به دنبال راه‌هایی برای کاهش هزینه‌ها، از جمله استفاده از روش‌های غیرقانونی برای فرار مالیاتی، باشند. افزایش هزینه حقوق صاحبان سهام می‌تواند نشان‌دهنده کاهش تعهد سهامداران به شرکت در بلندمدت باشد. در این شرایط، مدیران ممکن است تمایل کمتری به

1.Rini
2.Fallan

سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های بلندمدت که منافع آنها را در بلندمدت افزایش می‌دهد، داشته باشند. به‌جای آن، آنها ممکن است بر روی اقدامات کوتاه‌مدتی که منجر به افزایش سود در کوتاه‌مدت می‌شود، مانند فرار مالیاتی، تمرکز کنند. شرکت‌هایی که از منابع مالی بیشتری برخوردار هستند، معمولاً به متخصصان مالیاتی‌تجربه و ماهرتر دسترسی دارند. این متخصصان می‌توانند راه‌های پیچیده‌تر و مؤثرتری برای اجتناب از مالیات پیدا کنند. این یافته‌ها با نتایج آپوهامی^۱ و همکاران (۲۰۱۸) و چن^۲ و همکاران (۲۰۱۵) در یک راستا است.

نتایج فرضیه سوم بیانگر این است در شرکت‌هایی که از حاکمیت شرکتی قوی برخوردار هستند، رابطه منفی بین افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتناب مالیاتی قوی‌تر خواهد بود. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی قوی، مانند استقلال هیئت‌مدیره، ساختارهای کمیته حسابرسی مؤثر و حقوق قوی‌نفعان، می‌توانند به افزایش نظارت بر فعالیت‌های شرکت و افزایش پاسخگویی مدیران در قبال ذی‌نفعان مختلف، از جمله نهادهای دولتی، سرمایه‌گذاران، مشتریان و فعالان محیط‌زیست، منجر شوند. این امر می‌تواند انگیزه مدیران برای استفاده از روش‌های غیرقانونی برای کاهش مالیات را کاهش دهد، به‌خصوص اگر احتمال کشف تخلفات و مجازات آنها افزایش‌یابد. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی قوی می‌توانند به ایجاد فرهنگ سازمانی متمرکز بر منافع بلندمدت در شرکت‌ها کمک کنند. در این فرهنگ، مدیران تمایل کمتری به اقدامات کوتاه‌مدتی دارند که می‌تواند پیامدهای منفی بلندمدتی برای شرکت داشته باشد، مانند فرار مالیاتی. در عوض، آنها بر ایجاد ارزش پایدار برای ذی‌نفعان مختلف تمرکز خواهند کرد که می‌تواند شامل بهبود عملکرد زیست‌محیطی شرکت نیز باشد. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی قوی می‌توانند به ایجاد سیستم‌های کنترل داخلی مؤثر در شرکت‌ها کمک کنند. این سیستم‌ها می‌توانند فرصت‌های سوءاستفاده از اطلاعات و انجام فعالیت‌های غیرقانونی مانند فرار مالیاتی را کاهش دهند. این یافته‌ها با نتایج سانراتو^۳ و همکاران (۲۰۲۱) و محمودی و همکاران (۱۳۹۳) در یک راستا قرار دارد.

1. Appuhami
2. Chen
3. Sunarto

نتایج فرضیه چهارم بیانگر این است در شرکت‌هایی که از حاکمیت شرکتی قوی برخوردار هستند، رابطه مثبت بین هزینه حقوق صاحبان سهام و اجتناب مالیاتی قوی‌تر خواهد بود. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی قوی، مانند استقلال هیئت‌مدیره، ساختارهای کمیته حسابرسی مؤثر و حقوق قوی‌ی نفعان، می‌توانند به کاهش تضاد منافع بین مدیران و سهامداران کمک کنند. در این شرایط، مدیران کمتر تمایل دارند برای افزایش سود کوتاه‌مدت خود درگیر اقداماتی شوند که به ضرر سهامداران در بلندمدت است، مانند فرار مالیاتی. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی قوی می‌توانند به افزایش شفافیت در فعالیت‌های مالی شرکت‌ها کمک کنند. این امر می‌تواند نظارت بر فعالیت‌های شرکت را توسط ذی‌نفعان مختلف، از جمله نهادهای دولتی، سرمایه‌گذاران و فعالان مدنی، آسان‌تر کند و احتمال کشف تخلفات و سوءاستفاده‌های مالی؛ مانند فرار مالیاتی را افزایش دهد. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی قوی می‌توانند به ایجاد فرهنگ انضباط مالی در شرکت‌ها کمک کنند. در این فرهنگ، مدیران بیشتر مایل به رعایت قوانین و مقررات مالیاتی هستند و احتمال درگیر شدن آنها در فعالیت‌های غیرقانونی مانند فرار مالیاتی کاهش می‌یابد. این یافته‌ها پاکدلان و همکاران (۱۴۰۰) در یک راستا قرار دارد.

با توجه به یافته‌های اول و سوم این پژوهش، پیشنهاد می‌گردد مدیران شرکت‌ها به طور مرتب گزارش‌های زیست‌محیطی جامع و شفاف را منتشر نمایند که شامل اطلاعاتی در مورد انتشار گازهای گلخانه‌ای، مصرف انرژی، استفاده از منابع و اقدامات برای کاهش اثرات زیست‌محیطی باشد. همچنین مباحث مرتبط با افشای زیست‌محیطی را در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی خود منتشر نمایند. با توجه به نتایج فرضیه‌های دوم و چهارم پیشنهاد می‌شود تصمیم‌گیرندگان حین بازنگری در مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی از جمله تقویت حضور اعضای غیرموظف تا به این طریق از فرصت‌ها جهت انجام اقدامات منفعت‌طلبانه در شرکت، از جمله اجتناب مالیاتی محدود گردند.

با استناد به نتایج این پژوهش و سؤال‌مطروحه که طی انجام آن برای پژوهشگر مطرح شد و در جهت کامل شدن پژوهش و قرارگرفتن در زمره مطالعات بیشتر در حوزه‌های مرتبط با این پژوهش، در قالب پیشنهادهای زیر برای انجام مطالعات آتی ارائه می‌گردد: الف) تأثیر کیفیت

گزارشگری مالی بر رابطه بین هزینه حقوق صاحبان سهام و اجتناب مالیاتی ب) سطح هزینه‌های نمایندگی بر رابطه بین هزینه حقوق صاحبان سهام و اجتناب مالیاتی ج) تأثیر افشای زیست‌محیطی بر هزینه بدهی مورد بررسی قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
 مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
 تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.
 تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.



منابع

- پاکدلان، سعید (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین شاخص حاکمیت شرکتی بر افشای زیست‌محیطی و مسئولیت‌های اجتماعی، پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، ۵(۴): ۱-۱۰.
- خواجوی، شکرالله؛ حسینی‌نیا، سمیه؛ نصیری، طاهره (۱۳۹۷). ارتباط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و افشای داوطلبانه اطلاعات زیست‌محیطی (مطالعه موردی شرکت‌های صنایع محصولات شیمیایی و مواد و محصولات دارویی)، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری، ۱۰(۴۰): ۱-۴۰.
- ستایش، محمدحسین، کاظم نژاد، مصطفی؛ ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۰). بررسی تأثیر کیفیت‌افشای نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳(۳): ۷۴-۵۵.
- عثمانی، محمد قسیم. (۱۳۸۱). شناسایی مدل هزینه سرمایه و عوامل مؤثر بر آن. رساله دکتری دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی.
- فلاح کار، حسین؛ فجرییگی، مهسا؛ بیطاری، جلیل (۱۴۰۰). تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و سطح افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵(۷۳): ۱۲-۳۱.
- محمودی، مرتضی و جبارزاده کنگرلوئی، دکتر سعید. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (مورد مطالعه: هلدینگ بازرگانی). مطالعات کمی در مدیریت، ۵(۱۹): ۶۹-۸۶.
- مهرانی. ساسان. نوروزی. سونا. (۱۳۹۴). بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین ارزش شرکت و مدیریت سود. دانش حسابداری مالی، ۲(۳): ۱۰۵-۱۲۲.

References

- Aburaya, R. (2012). The relationship between corporate governance and environmental disclosure: UK evidence (Doctoral dissertation, Durham University).
- Appuhami, R. (2018) The signalling role of audit committee characteristics and the cost of equity Capital: Australian evidence.
- Battisti, E; Bollani, L; Miglietta, N. & Salvi, A. (2020), "The impact of leverage on the cost of capital and market value: Evidence from Shari'ah-compliant firms", *Management Research Review*, Vol. 43 No. 9, pp. 1081-1096.
- Bonetti, Charles H. Cho & Giovanna Michelon Pietro (2023): Environmental Disclosure and the Cost of Capital: Evidence from the Fukushima Nuclear Disaster, *European Accounting Review*,
- Chen, Y; C. Truong, and M. Veeraraghavan. 2015. CEO risk-taking incentives and the cost of equity capital. *Journal of Business Finance & Accounting* 42 (7 and 8): 9:15-946.

- Cook, Kirsten A, William J. Moser, Thomas C. & Omer (2017). Tax avoidance and ex ante cost of capital, *JBFA*, Volume 44, Issue 7-8: 1109-1136.
- Desai, M. A. & Dharmapala, D. (2009), "Corporate tax avoidance and firm value", *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 91 No. 3, pp. 537-546.
- Falahatkar, Hossein; Qajrbigi, Mehdi & Bitari, Jalil (1400). The effect of corporate governance on the relationship between profit management and the level of information disclosure of companies listed on the Tehran Stock Exchange, *Quarterly Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 5(73), 12-31. (In Persian)
- Fallan, E. & Fallan, L. (2019), "Corporate tax behaviour and environmental disclosure: strategic tradeoffs across elements of CSR?" *Scandinavian Journal of Management*, Vol. 35 No. 3, p. 101042
- Gerged, A. M; Albitar, K. & Al-Haddad, L. (2021), "Corporate environmental disclosure and earnings management – the moderating role of corporate governance structures", *International Journal of Finance and Economics*, doi: 10.1002/ijfe.2564
- Goh, B. W; J. Lee, C. Y. Lim, & T. Shevlin. 2016. The effect of corporate tax avoidance on the cost of equity. *The Accounting Review*, 91, (6) 1647-1670
- Gordon, R. J. (1982). Price inertia and policy ineffectiveness in the United States, 1890-1980. *Journal of Political Economy*, 90(6), 1087-1117.
- Hanlon, M; & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2), 127-178.
- Jianqun Xi. & He Xiao, (2022). Relation among corporate environmental disclosure, earnings management and accounting conservatism: evidence from Chinese listed firms, *Managerial Auditing Journal*, 37 (5), 565-593.
- Khajovi, Shokrale; Hosseininia, Somia & Nasiri, Tahira (2017). The relationship between corporate governance mechanisms and voluntary disclosure of environmental information (a case study of companies in the chemical and pharmaceutical industries), *Financial Accounting and Audit Research*, 10 (40), 1-40. (In Persian)
- Kim, J. Li & Y. Zhang, L. (2011). Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm-Level Analysis. *Journal of Financial Economics*, 100(4), pp. 639 –662
- Lisowsky, P; L. Robinson, & A. Schmidt (2013). Do publicly disclosed tax reserves tell us about privately disclosed tax shelter activity? Working paper, University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Mahmoudi, Morteza & Jabarzadeh Kangarlou, Dr. Saeed. (2013). Investigating the impact of corporate governance mechanisms on the taxation of companies listed on the Tehran Stock Exchange (case study: Trading Holding). *Quantitative Studies in Management*, 5(19): 69-86. (In Persian)
- Masud, M; Bae, S. & Kim, J. (2017), "Analysis of environmental accounting and reporting practices of listed banking companies in Bangladesh", *Sustainability*, Vol. 9 No. 10, p. 1717.

- Mehrani, Sasan & Norouzi, Sona. (2015). Investigating the effect of corporate governance on the relationship between firm value and earnings management. *Financial Accounting Knowledge*, 2(3), 105-122. (In Persian)
- Nengzih, N. (2018). Determinants of corporate tax avoidance: Survey on Indonesia's public listed company. *International Journal of Economics, Business and Management Research*, 2(2), 133-145.
- Osmani, Mohammad Qassim. (1381). Identifying the capital cost model and the factors affecting it. Doctoral thesis of Allameh Tabatabai University Management and Accounting Faculty. (In Persian)
- Pakdelan, Saeed (1400). Investigating the relationship between corporate governance index on environmental disclosure and social responsibilities, *Research in Accounting and Economic Sciences*, 5(4): 1-10. (In Persian)
- Razzaq, Ammar; Rubaye, Neamah; Foroghi, Daruosh; Hashemi, Sayyed; Al-Rubaye, Ammar & Foroghi, A. (2024). The Effect of Firm Size on the Relationship Between Tax Avoidance and Cash Holdings. 165-174.
- Rini, R. K. , Adhariani, D. & Sari, D. (2023), "Environmental costs, environmental disclosure, and tax avoidance: evidence from mining and energy companies in Indonesia and Australia", *International Journal of Ethics and Systems*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print.
- Setayesh, Mohammad Hossein, Kazemnejad, Mustafa & Zolfaghari, Mehdi (2011). Investigating the effect of disclosure quality on share liquidity and cost of capital of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Research*, 3(3), 55-74. (In Persian)
- Sikka, P. (2010), "Smoke and mirrors: corporate social responsibility and tax avoidance", Paper presented at the Accounting Forum.
- Sunarto, Widjaja, Budiadi, Meita Oktaviani & Rachmawati (2021). The Effect of Corporate Governance on Tax Avoidance: The Role of Profitability as a Mediating Variable, *Journal of Asian Finance, Economics and Business* Vol 8 No 3 (2021) 0217-0227.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی